

سرگرمیهای اطفال افغانستان

بابه زنجیر باف

این بازی کودکان بین سنین 10-15 ساله میباشد. طوری که اطفال دست بدست هم می دهند. یک نفر بابه زنجیر باف میشود. که نفر اول است. سپس نفر آخر صدا می کند بابه زنجیر باف؟ نفر اول صدا می زند بلی! نفر آخر پشت قلا انداختی؟ اول بلی از راه دهل بروم یا سرنی؟ زنجیر باف یا دهل گوید یا سرنی. اگر دهل باشد بچه ها همه دم دم دم دم گفته از زیر دست بین اول و دوم تیر میشود. اگر زنجیر باف گفت سرنی همه سرسر سرگفته از زیر دست نفر اول تیر میشوند. درینصورت روی نفر اول یکطرف و دیگران طرف مقابل میشود. سپس دوباره نفر آخر صدا میزند بابه زنجیر باف؟ زنجیرهارا..... بدین ترتیب همه از زیر دست نفر دوم وسوم و آخرتیر میشود. درین صورت روی نفر اول و دوم یکطرف و دیگران طرف دیگر میشود. به همین شکل تا نفر آخر روی همه دور خورده دست راستشان طور سرچپه با دست راست طرف راست و دست چپ شان بادست چپ طرف چپ گره میخورد. سپس همهی خورا کش می کنند که از کدام دست قطار پارچه میشود. سپس نفر که از دستش قطار شکسته جریمه میشود و همه چیغ و خوشحالی می کنند.

جرکان

بچه ها یک درخت یا دیوار را جر انتخاب می نمایند یک محل دیگر تقریباً صد متر یا کم و زیاد باشد محل نشانی میگویند. بچه همه از نقطه بطرف جر می دوند سپس دست خودرا به نشانی زده دوباره بر می گردند هرکسی که در محل جر اول آمد او نمبر اول نفر دوم سوم و بلاخره آخر. کسیکه آخر رسید یا اورا خرسواری میکنند یا سرش را خار می کنند یا همه قدقدک می دهدش.

گیرکان

طوریست که یک نفر بچه ملا میشود باید یک نفر را گیر کند بچه ملا هرکی را گیر کرد او بچه ملا میشود. بچه های تیز به سرعت از کنار بچه ملا تیر شده با دست بچه ملا را تیله می کند زمانیکه بچه ملا دست می اندازد فوراً فرار می کند.

چشم پتکان

یکنفر از میان میر میشود و چشمهای خودرا با دو دست پت نموده صدا میزند صیح است یا(صیاحست) بچه ها صد میزنند نی باز میگوید صیاحست تا زمانیکه همه پت نشوند یکی صدا می کند نی زمانیکه همه پت شدند میر صدا میزند صیاحست هیچکس جواب نمی دهد. سپس میر همه را می پالد هرکس را که اول گیر کرد او باید میر شود. طریقه دیگر این سنت طوری است که میر باید همه را بیافت اگر آخرین را نیافت نفر آخری ده پشت میر می زند و میر باید دوباره چشمهای خودرا پت گیرد و دیگران پت شود.

خم تکه بازی

این سرگرمی پسران شمال افغانستان می باشد. بازی طوری است که یک توپ را از گل می سازند و سپس خشک نموده در میان قفس کوک مانده همراهی دهن خود آواز کبک را می کشند. پسران دیگر هم چنین کار را می کنند. سپس دوپسر شرط می زنند و خم تکه هارا از قفس کشیده جنگ می دهند. جنگ آن طوری است که یکی خم تکه خود را بطرف خم تکه مقابل به سرعت رها می کند درین صورت یکی ازین خم تکه ها می شکند. آن خم تکه که نشکست. بازی از آن میشود.

توپ دنده

توپ دنده بازیست که بین اطفال بسیار مشهور است، در این بازی دو تیم ساخته میشود که هر دو دارای شش بازیکن میباشدند و در میان این شش نفر یکی هم به اصطلاح «میر» است. بعد از انتخاب افراد، پیش از شروع بازی بخاطر نوبت قرعه انداخته میشود، نام هر تیم که در قرعه بر آمد نوبت اول بازی از آن تیم میباشد. وقتی بازی شروع شد اعضای تیمی که اسمش در قرعه بر آمده توپ و دنده را گرفته پیش محدوده که با خط مشخص شده ایستاد می شوند. افراد تیم دومی بخاطر گرفتن توپ و زدن افراد تیم مقابل توسط آن به موقعیت های مختلف در ساحه معینه ایستاد می شوند. این بازی تقریباً شبیه بازی کریکت است که اکثراً میان اطفال در ایام رخصتی های تابستانی و زمستانی مکاتب و در تفریحگاه ها بازی می شود و نظر به محلات طرز اجرای آن بعضاً متفاوت است. اگر شخصی توپ را قپ کند نفر مقابل میسوزد باید آن نفر تا خط دوم میدان که 50 متر فاصله دارد رفته دوباره بر گردد. در صورتیکه بر گردد و توپ کسی به جانش نخورد زنده است. اگر بر گردد و طرف مقابل توپ را به جانش شوت کرده به جانش خورد. بازی به نفع تیم مقابل میشود. تیم میر میسوزد.

یک لنگه بازی

یک لنگه بازی نیز از بازی های کودکان افغانستان میباشد. بازی طوری است بچه ها اولاً یک دایره بقطر 4 متر خط کشی می نمایند. دو نفر در حال که یک پای خود را بدست محکم می گیرند داخل دایره میشوند. آنها کوشش می نمایند که طرف مقابل خود را از دایره بیرون کشند. کسی از دایره بیرون شد. بازی را می بازد. اگر هر دو پای کسی در جریان بازی به زمین بخورد حریف او سرش را خاریده او را از میدان بیرون می کند. بدین ترتیب نوبت نفر دوم و سوم می رسد.

دنده کلک :

دنده بازی یا دنده کلک بازی سنتی است از زمانه های قدیم بشکل میراث از بازی ها و تفریح های دیرینه در افغانستان باقی مانده است.

بچه های بین سنین هفت الی بیست سال یا بیشتر از آن درین بازی عنعنوی اشتراک می نمایند. روش این بازی طوریست که بچه ها در وسط یک توته زمینی که سطح هموار داشته باشد، کوچک را آماده می سازند « خوج عبارت از حفری است که به قطر 10 سانتی و به عمق 10 سانتی متر که توسط بازی کنان این بازی حفر می شود تا در هنگام بازی، کلک در آن ایستاده شود.

حینیکه دو نفر از جوانان و یا بیشتر از آن گرد هم آیند، تعداد شان هر چند که باشد به دو گروه تقسیم شده و یک توته چوب را که به درازی کمتر از یک متر باشد و چوب دیگر را به طول 15 سانتی که دوطرف آنرا بشکل قلم پنسل تراش می نمایند تا در اثنای اصابت دنده کلک از زمین بر خواسته و آنرا همراهی دنده چوب ضربه وارد نمایند و بدور اندازند. بعد از بدست آوردن نوبت از سوی یک جناح، به بازی آغاز می نمایند. ابتدا لیک توسط یکن از گروه جانب مقابل بطرف هوا بلند می شود. حین نزول از هوا اگر لیک بداخل « غنج » افتد نوبت به شخص دیگری واگذار میگردد. اگر کلک یا لیک به غنج اصابت نکند، بازیگر همراهی چوب دست داشته اش سه مرتبه در قسمت لبه ی که مانند قلم کلک، ضربه وارد می نماید، در صورتیکه از زمین برخیزد در هوا ضربه ی دومی را برایش حواله نموده و آنرا بدور می اندازد که در نزد بازی کنان یک بر محسوب می شود. زمانی که چهار بر شد آنرا یک نو می گویند. به همین شیوه این بازی ساعت ها ادامه می یابد.

آنچه که قابل ذکر است: قبل از آغاز بازی دو گروه بازیکن یک سرحد بفاصله ی 50 الی 80 متری تعیین نموده و حین بازی اگر لیک از اثر ضربه ی دنده چوب از سرحد تعیین شده به پیش پرتاب گردد، هر دو گروه ب دودین آغاز می نمایند تا هر یک گروه از دیگری سبقت بسته و لیک را لمس نمایند بازیکن را از نوبت باز می دارند و اگر شخص بازیکن آنرا قبل از همه بدست خود و یا توسط گروه خود بدست آرد، بازی کمافی السابق

ادامه دارد. بدین منوال جوانان سرگرمی عنعنوی خویش را که از نیاکان به ارث برده اند، در زمان خویش به بازو می گیرند و از آن لذت می برند.

اله بده یا اله بده « کلاه بُردک » :

((این بازی در منطقه کرمان پنجشیر عمومیت دارد. یک عده از جوانان گرد هم آمده و در یک قسمت زمین یک خط دایره یی به قطر سه متر می کشند و تعداد بچه ها هر چند که باشند به دو دسته تقسیم شده که یک گروه بداخل دایره قرار گرفته و گروه دیگر خارج از دایره قرار می گیرند. گروهی که بداخل دایره قرار دارند به سرهای شان کلاه یا دستمال طور چهلتر بسته نموده و هر کدام طبق قانون بازی یک دست خود را بالای خط دایره گذاشته به چهار طرف دایره خیز و جست می نمایند تا گروه بیرونی کلاه شان را از سرهای شان نقیند، ایشان وظیفه دارند تا گروه بیرونی را غافلگیر نموده و با پای خود به پای آنها تماس دهند. اگر چنین اتفاق بیافتد گروه دومی داخل و گروه اولی خارج از دایره قرار می گیرند. گروه بیرونی وظیفه دارند تا با گفتن « اله بده کلاه بده » از موقع استفاده نموده گروه دومی را غافلگیر نمایند و کلاه شان را بقیند و در نهایت سرعت خود را به جرجای برسانند. اگر گروه درونی موفق شود و در مسیر راه یعنی از دایره الی جرجای کلاه را از گروه بیرونی بگیرد، بازی بشکل سابق ادامه می یابد و اگر گروه درونی یکی از گروه های بیرونی را غافلگیر نماید و با پای خود به پایش تماس دهد، بازی به نفع گروه درونی می انجامد و گروه درونی بیرون و بیرونی داخل دایره قرار می گیرند و دوباره بازی بشکل سابق به پیش میرود. این بازی در اصل یکی از بازی ها و سرگرمی های ناب جوانان در فصل بهار می باشد که از قدیم در آن مناطق معمول بوده است.))

کور ملا بازی :

از جمله سرگرمی های زیبا در بین جوانان است. تعدادی از بچه ها گرد هم جمع شده، چشم یکی را با دستمال یا چارد می بندند و هر کدام با سیلی به سر و کله اش میزنند کورملا هر طرف میدود و کورکورانه هر طرف دست می اندازد تا شخصی بدستش آید. به همین شکل مدت ها ادامه می یابد تا اینکه کسی به چنگ کور ملا بیافتد. اگر کسی به چنگ کورملا آمد و او را محکم گرفت، چشم های وی را می بندند و او کورملا می شود.

خرمیگیری جاندار :

خرمیگیری جاندار یکی از جذابترین بازیها و سرگرمی ها در بین جوانان و نو جوانان پنجشیر است. جوانان به دو گروه تقسیم شده گروه اولی هر چند که باشند پشت در پشت خود را به دیوار تکیه داده و مانند خر پشت خود را خم می نمایند. صرف یک نفر سر تیم گروه که آنرا « سلمه » می گویند، در کنار خرها ایستاده می شود تا گروه دومی بالای خرها سوار نشوند. گروه دومی می کوشد تا به نحوی بالای خرها سوار شود اما سر تیم گروه اولی نمی گذارد که آنها سوار خر شوند. اگر گروه دومی نزدیک خرها شود با پایش به پای گروه دومی میزند، اگر پای سر تیم به پای یکی از افراد گروه دومی تماس کند گروه دومی بجای گروه اولی رفته و گروه اولی در جای گروه دومی قرار می گیرد. به همین شکل ساعت ها این بازی ادامه می یابد.

قمار اطفال

قمار اطفال که نیز یکی از سرگرمیها است. عبارتند از تشله بازی بدو شکل قطکان و میش میباشد. نوع دیگر قمار اطفال عبارتند از قطکان با پول فلزی، و بجل بازی میباشد. در سالهای قبل علاوه بر این بازیها شیشه برد و تکمه برد بود. که فعلاً تقریباً از بین رفته است. بازی شیشه و تکمه طور یست که به عوض پول از تکمه یا از شیشه کار می گرفتند. تکمه و شیشه ها یک قیمت نبوده تکمه خوب چند دکمه میشد. بیاد دارم پسران ایلا گرد یک پسر خوب را محکم گرفته دیگران تکمه های لباس آنرا جدا ساخته و با دکمه ها فرار می کردند. پسر اعجاز و کم زور در کرتی و بالا پوش خود تکمه نداشتند. اگر میداشتند جندین رنگ میبود.

آبوبه جان آبوبه

آبوبه جان آبوبه
دست گلم شراب
شراب ما خوردنی
پیش حاکم بردنی
حاکم حاکم زن کده
دوله ده گردن کده
خدا زده شوپک مه
نمی ته خر چکمه
مگرم خطک مه
خانی حاکم بچه شد
دیگ لیتش چپه شد

قو قو قو برگ چنار

قو قو قو برگ چنار
دختر ا شیشته قطار
می چیزن برگ چنار
می خورن دانه انار
کاشکی کفتر می بودم
ده هوا پر میزدم
آوی زم زم میخوردم
ریگ دریا میچیدم
کاشکی ماهی می بودم
ده او راهی می بودم
کاشکی زاغک می بودم
کله داغک می بودم
میبریدم شاخ به شاخ
ده یک باغک می بودم
شیرگفت الله الله
مه گفتم درد و بلا

شهر خالص مزاری

گژگژ دنگله مهتابی دوتا رومال شاهی
رومال کی دوخته زلیخای نهر شاهی
ینگه ملایم ده خانه قورمه قطع میکنه
اکه پاشایم ده حویلی اسپهاره جور میکنه
اسپهای جوره جوره ده گردنش خرموره
خر موره کی داده بچه حسن گوره
دو دکان سربسر شرین جان نغمه گر
دو دکان ساز کنین شرین جان راست کنین
آفتابه را اوکنین پاچا ملا ره نوکنین
خیر آباد است جایما شیرین جان است بای ما
ادامه دارد.

